

{اجتماعی}

گزارشی از زندگی یک سارق مسلح

سکه زندگی برگشت

بخش اجتماعی – سال ها به انواع جرایم دست زد؛ زورگیری، آدم ربایی، سرقت

مسلحانه و مصرف مواد مخدر، موادی که از سیگار شروع شد و در نهایت به شیشه و توهمات ناشی از آن رسید. می گوید زندگی سالمی داشته و تحت تاثیر مواد به این روز افتاده اما اکنون متنبه شده است و روی دیگری از زندگی را بازی می کند. خیلی از ما فکر می کنیم آدم رباها یا سارقان مسلح توی فیلم ها هستند اما امروز یک نسخه کامل از جرایم روبرویم نشسته است. مرد جوانی که ۳۰ بهار از عمرش می گذرد و به عقب که نگاه می کند، خاطره خوشی برای تعریف کردن ندارد. علی را در یکی از جلسات مددکاری انجمن داوطلبان خدمات اجتماعی (مددیاران) دیدم. او یکی مددجویان انجمن مددیاران است. پدر دو فرزند دختر است و به نظر نمی رسد پشت این چهره آرام و خنده رو، روزی مردی خشن و ترسناک جا خوش کرده بوده باشد. مردی که اگر در خیابان جلوی کسی سبز می شد، رنگ از چهره اش می پرید و دار و ندارش را به علی می داد. اما علی تا رد چاقو را روی دست و صورت قربانی اش نمی کشید، رهایش نمی کرد. فردی که امروز امثال او را به عنوان زورگیر می شناسیم، حالا مقابلم نشسته و با آرامش خاصی از گذشته های تلخ و دورش می گوید. از مواد که زندگی اش را به خاک سیاه نشانند. از رابطه سرد خانوادگی اش، از مادری که نداشت، از بیماری پدرش، از تحقیرهایی که سال ها به دوش کشید و در نهایت همه چیز در زندگی علی دست به دست هم داد تا از او یک جنایتکار حرفه ای بسازد. مردی که روزی برای رسیدن به اهداف سیاهش دست به هر کاری می زد.

می گویم «روزی»، اما امروز علی صدها قدم از همه فصل های سرد و تاریک زندگی اش فاصله گرفته و چشم به آینده ای روشن، گرم و درخشان دارد. جایی که لبخند رضایت را روی لبان همسر و دو دخترش بنشانند و انسانیت را از نو مشق کنند.

*** پایان تلخ یک آدم ربایی**

کاپش و شلوار مشکی به تن کرده. موهای نسبتا کم پشتی دارد و سیبل روی صورتش چهره اش را کمی جا افتاده تر کرده است. علی از وقتی از زندان بیرون آمده در جلسات مددکاری شرکت می کند. جایی که عصای معجزه گری شده برای تغییر شیوه زندگی اش. خودش می گوید: این جا که می آیم آرامش می گیرم. فکر و خیال های بد از ذهنم دور می شود و بیشتر به داشتن زندگی سالم امید می بندم. می خندد. سیبل هایش تا گوشه های صورتش کش می آیند و دندان هایش بیرون می ریزد. ادامه می دهد: کار و باری ندارم اما برای آمدن به اینجا از خواهر و خانواده ام پول قرض می گیرم. خانه مان تا اینجا خیلی دور است اما هر طور شده خودم را به اینجا می رسانم. چون در انجمن مددیاران یاد گرفته ام که چطور زندگی کنم و شخصیتم نسبت به قبل کلی عوض شده است.

علی سوابق درخشانی در کارنامه اش ندارد. سرقت مسلحانه، زورگیری، آدم ربایی و مصرف مواد، کلکسیونی از جرایم علی است. او می گوید: در جریان آدم ربایی یکی از اساتید دانشگاه صنعتی شریف را درزدیدم و شرط آزادی اش پرداخت ۶۰۰ میلیون تومان بود. اما لو رفتم و دستگیر شدم.

پس از این ماجرا در دادگاه، علی به تحمل ۲۹ سال و یک روز حبس محکوم شد. «سال ۹۲ وارد زندان شدم. فکر اینکه قرار است سال ها حبس بکشم، دیوانه ام می کرد. پس از مدتی اعتراض کردم و در نهایت با تحمل پنج سال حبس و پرداخت

بخش اجتماعی – رئیس کلانتری ۱۲۸ تهران ۰، از بازداشت

۲ گوشی قاب و زورگیر خبر داد و گفت: این متهمان به ۱۱ فقره سرقت طی یک هفته گذشته اعتراف کرده اند. به گزارش مهر، سرهنگ رسول بهرامی رئیس کلانتری ۱۲۸ تهران نو اظهار کرد: چندی پیش مردی به کلانتری ۱۲۸ تهران نو مراجعه کرد و مدعی شد موتورسیکلت اش به سرقت رفته و با توجه به شکایتش، تحقیقات از سوی ماموران کلانتری آغاز و مشخص شد شب گذشته وقتی این مالباخته از خرید به خانه بازگشته، موتورسیکلت اش را در پارکینگ پارک کرده و پشت سر او ۲ سارق وارد منزل شده و اقدام به سرقت کرده اند. این مقام انتظامی عنوان داشت:

چند روز بعد نیز فردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و گفت، از سوی ۲ زورگیر مورد سرقت و خفت گیری قرار گرفته است، که با توجه به مشخصات اعلام شده از سوی مالباخته مشخص شد که این زورگیران همان سارقان موتورسیکلت شاکي قبلي هستند. وی افزود: این مرد مدعی بود برای خرید از سوپرمارکتی در حال پارک کردن خودرو بوده است که ۲ مرد موتورسوار از راه رسیده و وی را با تهدید مورد سرقت قرار دادند و اموالی شامل ساعت مچی گرانقیمت، حلقه ازدواج، گوشی همراه و ۲۲۰ هزار تومان پول از او سرقت کردند. کلانتر محله تهران نو، بیان داشت: تحقیقات برای

بخش اجتماعی – رئیس کلانتری ۱۲۸ تهران ۰، از بازداشت

۲ گوشی قاب و زورگیر خبر داد و گفت: این متهمان به ۱۱ فقره سرقت طی یک هفته گذشته اعتراف کرده اند. به گزارش مهر، سرهنگ رسول بهرامی رئیس کلانتری ۱۲۸ تهران نو اظهار کرد: چندی پیش مردی به کلانتری ۱۲۸ تهران نو مراجعه کرد و مدعی شد موتورسیکلت اش به سرقت رفته و با توجه به شکایتش، تحقیقات از سوی ماموران کلانتری آغاز و مشخص شد شب گذشته وقتی این مالباخته از خرید به خانه بازگشته، موتورسیکلت اش را در پارکینگ پارک کرده و پشت سر او ۲ سارق وارد منزل شده و اقدام به سرقت کرده اند. این مقام انتظامی عنوان داشت:

 	
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری رشت آگهی ثبتی آگهی تغییرات شرکت نوران تابلوگیلان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۲۳۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۶۱۸۷۹ به استناد صورت‌جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ ۱ – اعضاء هیات مدیره برای مدت دو سال تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای مرتضی گلزار با کدملی ۲۵۹۵۸۰۳۸۳۲ و آقای ساشا نیارکی اصلی با کدملی ۲۵۹۴۵۵۵۹۸ و آقای ابراهیم یگانه لایق با کدملی ۲۵۹۳۳۸۳۴۷۱ و آقای رحمان رحیم زاده با کدملی ۲۵۹۴۳۶۳۵۰۲ انتخاب گردیدند. ۲ – آقای محمدعلی فلاحتی زنده دل با کدملی ۲۵۹۳۸۸۱۵۰۱ به سمت بازرس و آقای وحید شعبان زاده با کدملی ۲۶۷۹۷۸۲۴۸۸ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. ۳ – روزنامه کثیرالانتشار گیلان امروز جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترسی می باشد. اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری رشت ۵۶۸۸ ر م الف ث تاریخ انتشار: ۹۷/۱۰/۲۹	

۱۵۰ میلیون تومان دیه از زندان آزاد شدم». زندان برای علی روزهای سازندگی بود. او از وقتی که وارد آنجا شد در اولین قدم اعتیادش را کنار گذاشت. از اینکه به خاطر مواد همه چیزش را باخته، خسته شده بود. خودش می گوید: همه چیز می کشیدم. با سیگار و تریاک شروع کردم و معلم بالا رفت. کم کم سراغ هروئین، حشیش و شیشه رفتم و چندیباری تزریق کردم. اما



به شیشه عادت کرده و به خاطر اینکه تحت تاثیر مواد بودم و شیشه مصرف می کردم، دست به زورگیری، سرقت مسلحانه و آدم ربایی زدم.

*** کلکسیونی از جرایم**

علی برایم تعریف می کند که نیاز مالی از او آدم رب یا سارق مسلح نساخت. گذشته تلخ و موادی که مصرف می کرد، او را به انجام این کارها وادار کرده بود. «چه کسی می خواهد زندگی بدی داشته باشد؟ مشکلات من از وقتی شروع شد که پدر و مادرم در سنی که به شدت بهشان نیاز داشتیم، از هم جدا شدند. فکر نکنید ما خانواده خلافکاری هستیم. خواهر و برادرم زندگی خوبی دارند اما من چون فرزند بزرگ خانواده بودم، تنش های زندگی را بیش از بقیه احساس کردم. پدرم به خاطر مشکلات روحی و روانی دست به کارهایی می زد که هضمش برای من که آن زمان نوجوان بودم و به چتر حمایتی پدرم نیاز داشتیم، بسیار سخت بود».

علی پیش از اینکه کلکسیونی از جرایم را پشت سرش ردیف کند، نصاب کاپینت آشپزخانه بود. کارش حرف نداشت و از این راه توانسته بود برای خودش کارگاهی راه بیندازد و درآمد خوبی کسب کند. اما در این میان از وقتی به مواد روی آورد، دست و دلش هم به کار نرفت.

«مواد مرا بیچاره کرد. من نیاز مالی نداشتم اما به خاطر اینکه روی شیشه بودم، برای هیجان دست به زورگیری و بعدها سرقت مسلحانه و... زدم». کارهای علی باعث شد خانواده اش از او فاصله بگیرند و طرد شود. می دانست اشتباهی می کند اما مصرف مواد، محرک انجام کارهای غیرقانونی اش بود تا اینکه در نهایت به زندان

لباس و مواد مخدر بهانه‌ای برای سرقت



دستگیری متهمان ادامه داشت و با توجه به شدت گرفتن سرقت‌ها از سوی این موتورسواران، تصمیم بر این شد که تیم عملیات کلانتری، در پنج اکپ متفاوت گشت‌های شبانه محبوس و نامحسوس خود را در این محدوده شدت بدهند تا

افتاد. «زندان نقطه پایان زندگی سیاهم بود. آن جا ترک کردم و به خودم قول دادم که گذشته ام را کنار بگذارم. به خاطر دو دختری که دارم، می خواهم آدم سالمی شوم. اما از وقتی از زندان بیرون آمده ام، کسی حمایتم نمی کند. به خاطر پرداخت دیه همه دار و ندارم را از دست دادم و در این مدت همسر و فرزندانم در خانه پسرخاله ام ساکن شدند تا من بیرون بیایم».

حالا که مدتی از آزادی علی می گذرد، او باید خانه پسرخاله اش را تخلیه کند اما آهی در بساط ندارد. با ته مانده پولی که هر از چندگاهی به دست می آورد، خودش را به انجمن مددیاران می رساند تا در جلسات روان درمانی و مددکاری شرکت کند.

«این جا برایم کلاس درس است. تازه پس از شرکت در کلاس ها یاد گرفتم چطور زندگی و در مواقع بحرانی خودم را کنترل کنم. از وقتی در این کلاس ها شرکت می کنم، به قدری رفتارم عوض شده که حتی خانواده ام هم تعجب کرده اند. اما هنوز باورم ندارند. فکر می کنند شاید دوباره مثل قبل شوم. البته به همه حق می دهم اما من دیگر آن آدمی نیستم که به گذشته برگردم».

*** بار دیگر متولد شده ام**

علی معتقد است شرکت در کلاس های مراقبت بعد از خروج از زندان باعث شده است او بار دیگر متولد شود. «خسته شدم از اینکه همیشه در ترس و توهم باشم یا به کسی آسیب برسانم. می خواهم در این مدت که از زندان آزاد شده ام از پاکی ام، از طبیعت، از حضور دو دخترم و همسرم و شروع یک زندگی جدید لذت ببرم». علی به خوبی می داند که

باعث اذیت و آزار خیلی های شده اما معتقد است کسی در این راه دست او را نگرفت تا اشتباهاتش را متوقف کند. «هرچقدر بگویم پشیمانم دردی از مردمی که به آنها آسیب رسانده ام، دوا نمی کنند. اما به خداوندی خدا قسم که نمی خواستم به این جا برسم. دلم می خواست یک نفر دستم را می گرفت و از منجلابی که در آن فرو می رفتم، نجاتم می داد اما کسی نبود. هر روز بیشتر از قبل غرق می شدم. اما امروز می خواهم درست شوم. دیگر نمی خواهم مجرم باشم. نمی خواهم انگ زندانی را به من بزنند». علی از زمان آزادی بارها برای پیدا کردن کاری سالم تلاش کرده است اما به خاطر سوءسابقه کسی او را نمی پذیرد.

«از کارگری تا پیک موتوری هر شغلی را که به ذهنم می رسید، سراغش رفتم. کسی به من کار نمی دهد. خانه ندارم و پولی هم برای اجاره ندارم. بدون کار نمی دانم چه کنم. در کار نصب چوب واردم اما پولی برای خرید دستگاه ندارم. درمانده شده ام و نمی دانم چه کار کنم». علی می خواهد که مردم و جامعه یک بار دیگر به او شانس زندگی دوباره بدهند.

«من خودم اراده کردم مواد را کنار گذاشتم. اراده کردم جرم را کنار گذاشتم. امروز اراده کرده ام تا با شرکت در جلسات روان درمانی و مددکاری از خودم انسان مفید و سالمی بسازم. از مردم یک تقاضا دارم. اینکه اراده مرا باور کنند. به من و امثال من اعتماد کنند و فرصت زندگی دوباره را به ما بدهند. همیشه پاییز، پاییز نمی ماند. همیشه زمستان سرد و برفی نمی ماند. همیشه فصل ها یک رنگ نمی مانند. بعد از زمستان بهار است. بهار شدنم را باور کنید و با حمایتتان اجازه ندهید امثال من به گذشته برگردند».

بتوانند هر ۲ سارق را دستگیر کنند که این اقدام پس از چند روز گشتزنی‌های شبانه، آکیبی از ماموران موفق به شناسایی مخفیگاه سارقان شدند.

وی تشریح کرد: پس از هماهنگی با مرجع قضایی، ماموران وارد مخفیگاه متهمان شده و علاوه بر دستگیری متهمان، ۲ متهم دیگر را که حال خرید و فروش مواد مخدر (هروئین) بودند نیز دستگیر کردند که از کیف یک یاز متهمان اصلی پرونده پنج دستگاه گوشی تلفن همراه، یک عدد ساعت مچی مارکدار و ۲ دستگاه پنل مسروقه خودرو نیز کشف شد و همچنین در بازرسی از ۲ متهم دیگر یک عدد قیچی صنعتی آهن بر و ۲ قبضه سلاح سرد، نیز کشف شد. سرهنگ بهرامی خاطرنشان کرد: متهمان به کلانتری منتقل و در تحقیقات انجام شده هر ۲ تن به جرایم خود اعتراف و همچنین به ۱۱ فقره سرقت طی یک هفته گذشته، اقرار و اظهار داشتند که برای تامین هزینه‌های خرید لباس‌های مارک دار و مواد مخدرشان، اقدام به سرقت می‌کردند.

در تحقیقات تکمیلی مشخص شد هر ۲ متهم دارای سوابق متعدد هستند و این در حالی است که در حال حاضر هر ۲ سارق برای تحقیقات بیشتر در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته اند.

 	
آگهی حصر وراثت خانم فاطمه نیک نام بهدانی به شماره شناسنامه ۵۹ فرزند حسن از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ربابه یعقوبی فرزند حسین در تاریخ ۹۵/۳/۳۱ در شهرستان رشت فوت نموده است و ورثه آن مرحوم به شرح ذیل تعرفه شده‌اند: نام و نام خانوادگی شماره شناسنامه نام پدر نسبت بابک نیک نام بهدانی ۱۹۴ حسن پسر فاطمه نیک نام بهدانی ۵۹ حسن دختر به غیر از وراث نامبرده بالا ورثه دیگری ندارد. اینک پس از ملاحظه دادخواست و انجام تشریفات قانونی و ثبت آن به شماره ۳۴۶ سیار مفاد درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید چنانچه هر شخص اعتراض دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دفتر شعبه ۱۶ شورای حل اختلاف رشت تسلیم نماید. در غیر اینصورت گواهی حصر وراثت برابر درخواست خواهد شد.	
قاضی شورای حل اختلاف شعبه ۱۶ رشت پروین انصاری	

سلامت

باورهای نادرست در مورد درمان های خانگی درد مفاصل



بخش اجتماعی – زمانی که درد مفاصل افزایش پیدا می کند، معمولاً به جای مراجعه به پزشک به دنبال تسکین سریع و خانگی آن خواهید بود و ممکن است از اطرافیانتان بخواهید یک راه حل آسان به شما پیشنهاد دهند. اما مسئله اصلی این است که این راه حلها و باورهای عمومی تا چه اندازه می تواند درست باشد و درد شما را تسکین دهد؟

نیش زنبور عسل

نیش زنبور عسل می تواند خطرناک و آزاردهنده باشد. اما پزشکان آسیایی قرن هاست که از نیش آنها به عنوان دارو استفاده می کنند. محققان بر این باورند که نیش زنبور دارای نوعی مولکول است که پروتئین هایی که باعث درد و خشکی مفاصل می شود را از بین می برد. اما این موضوع تا به حال بر روی انسان آزمایش نشده، پس در مورد مراجعه به کلینیک هایی که درمان به وسیله زنبور عسل را ارائه می کنند، مراقب باشید.

سرکه سیب

ممکن شما در مورد خواص زیاد این مایع عسلی رنگ مانند درمان سوزش و شوره سر شنیده باشید. سرکه سیب بر روی قسمت ژلی مفصل اثر می گذارد. البته این موضوع به طور قطعی ثابت نشده که این ماده مفاصل شما را نجات می دهد اما به هر حال اگر می خواهید آن را میل کنید، مقدار کمی از آن را با آب مخلوط کنید، زیرا سرکه سیب یک اسید ملایم است که می تواند موجب سوزش در دهان و گلو شود.

کلم پیچ

بعضی از افراد مبتلا به مفصل درد، برگهای کلم را له می کنند و سپس با استفاده از پارچه یا یک پوشش پلاستیکی آن را به دور مفصل آسیب دیده، می بندند. تا به حال هیچ تحقیقی در مورد مواد شیمیایی مفید در آب کلم و یا آیا پوست بدن قادر به جذب آنهاست یا چه مقدار از آن کافی است، صورت نگرفته است. کیسه های سرد یا گرم و یا ژلهای کاهش درد که بدون بو هستند می توانند به شما در تسکین درد کمک بیشتری کنند.

پوشیدن دستبندهای مسی

یک باور قدیمی وجود دارد که سطح پایین مس در بدن باعث ایجاد درد های مفصلی و بیماری های مشابه می شود. همین امر باعث می شود که استفاده از دستبندهای براق مسی برای تسکین درد مورد استفاده قرار گیرند. ممکن است که شما از نگاه کردن به آنها لذت ببرید اما با پوشیدن آنها احساس بهبودی نکنید. بر اساس مطالعه ای بر روی افراد مبتلا به دردهای مفصلی در سال ۲۰۱۳ انجام گرفت، پوشیدن این دستبند ها درد آنها را بهبود نداده و از میزان داروهایی که نیاز داشتند، کم نکرده بود.

آهن ربا

نیرویی که کارت پستال ها و عکس ها را روی یخچال نگه می دارد، ظاهرا سبب کاهش و یا مانع درد می شود. این نظریه به تئوری جذب کننده معروف است اما تکه های آهنربا و نوارها ممکن است کارایی نداشته باشند.همان تحقیقی که بر روی دستبندهای مسی انجام گرفت بر دستبندهای از جنس آهنربا نیز انجام گرفت و نتیجه ی آن منفی بود.

مصرف ژلاتین

برخلاف باورهای عمومی پودر مورد استفاده در درست کردن دسرهای ژله ای، مفاصل شما را قوی نمی کند. پروتئین درد مفصل را از بین می برد. تحقیقات کمی درافراد مبتلا به دردهای مفصلی نشان داده است که قرص هایی که حاوی دوز بالایی از ترکیبات زردچوبه هستند، به اندازه ی قرص های ضد درد معمولی موثر هستند. اما این به معنای این نیست که شام حاوی زردچوبه و یا چوب شور، علائم درد مفصلی شما را آرام می کند. مقدار زردچوبه در این غذاها کمتر از آن است که تغییر قابل توجهی ایجاد کند.

زردچوبه

این ادویه که بیشتر درآشپزی های هندی استفاده می شود، دارای یک نوع ماده شیمیایی است که پروتئین درد مفصل را از بین می برد. تحقیقات کمی درافراد مبتلا به دردهای مفصلی نشان داده است که قرص هایی که حاوی دوز بالایی از ترکیبات زردچوبه هستند، به اندازه ی قرص های ضد درد معمولی موثر هستند. اما این به معنای این نیست که شام حاوی زردچوبه و یا چوب شور، علائم درد مفصلی شما را آرام می کند. مقدار زردچوبه در این غذاها کمتر از آن است که تغییر قابل توجهی ایجاد کند.

زنجبیل

در آزمایشگاه، ترکیبات ریشه ی زنجبیل می تواند روند التهاب و ورم آرتروز را کاهش دهد. اما در حالت عادی و در دنیای واقعی، پخت و پز با زنجبیل تازه یا خشک شده تنها می تواند وعده های غذایی شما را خوشمزه تر کند. شواهد کمی وجود دارد که این گیاه می تواند خشکی و درد مفاصل شما از بین ببرد.